

وقتی ماندن نمی صرفد!

یک مهاجر افغانستانی در گفت‌وگو با مشرق‌نیوز گفته است: «اوایل نه ولی همین الان حقوقم با پول بنگاه، می‌شود ۱۳ هزار افغان؛ یعنی کمتر از نصف قبل؛ قبلا ۲ میلیون تومن می‌شد ۳۰ هزار افغان؛ آن پول برای زن و بچه‌هایم کافی بود ولی حالا با ۱۳ هزار افغان چه می‌شود کرد؟ هیچی فقط دو گونی آرد و یک حلب روغن می‌توان خرید؛ تا قبل از این تحریم‌ها و حتی تا یک سال پیش، هر یک میلیون تومان، ۱۵ هزار افغانی بود، اما کم کم شد ۱۳ هزار، بعد ۱۲ هزار، بعدش ۱۰ هزار، ۹ هزار و حالا ۸ هزار هم نیست؛ خب نمی‌صرفد که در ایران بمانیم.»

یکشنبه ● ۴ شهریور ۱۳۹۷ ● شماره صد و شصت‌وشش

مشرق‌نیوز

برس‌های در اندیشه‌ها و نظر به‌ها

ا ت ل ی ع ه ن و



کتیو | ۰۹

چالش‌های بازگشت به خانه

مهاجرانی که به کشور خود بازمی‌گردند با چه مشکلاتی مواجه می‌شوند؟

متن حاضر چکیده‌ای است از پژوهش

مفصلی که زیر نظر سازمان بین‌المللی مهاجرت تحت عنوان «چالش‌های ادغام

مجدد مهاجران بازگشتی با شرایط درمانی وخیم» انجام شده است. این پژوهش بر اساس مصاحبه با مهاجرانی از کشورهای افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، غنا، کوزوو، مغولستان و مراکش صورت گرفته است. محوریت این گزارش بر تجربه زیسته مهاجرانی با مشکلات درمانی است که داوطلبانه به کشورهای خودشان بازگشته‌اند. این گزارش در چارچوب پروژه کلان‌تر سازمان بین‌المللی مهاجرت به نام «اقداماتی برای افزایش کمک به بازگشت‌های داوطلبانه و ادغام مجدد مهاجران بیمار ساکن اروپا» انجام شده است.

■ مهاجران بازگشتی و مسئله سلامت

۱- وخامت سلامت جسمی: حدود نیمی از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که شرایطشان پس از بازگشت بدتر شده است. بقیه آن‌ها گفته‌اند که وضعیت‌شان تفاوتی نداشته یا اینکه بهتر شده است. دلایل بازگشت بر سلامت مهاجران تأثیر داشته است. برای مثال، همه پاسخ‌دهندگان اهل کوزوو گفتند که به خاطر شرایط درمانی، کشور خود را ترک کرده‌اند، اما وقتی نتوانستند در کشور میزبان، به وضعیتی قانونی دست یابند، با وضعیت سلامتی وخامت‌یافته به کشور خود بازگشته‌اند.

۲- سلامت ذهنی: سلامت ذهنی مهاجران بازگشتی تحت‌تأثیر تجربه مهاجرت و عوامل استرس‌زای مرتبط با آن قرار دارد. هشت عوامل استرس‌زای مربوطه عبارت‌اند از: دلایل بازگشت، مدت اقامت در کشور میزبان، مدت اقامت در کشور خود، دشواری‌های زندگی روزمره، وضعیت خدمات درمانی در کشور خودی، فشارهای خانواده یا شبکه اجتماعی، دورنمای آینده و رویه‌های اداری سازمان بین‌المللی مهاجرت. از ۲۸ مهاجر بازگشتی، ۲۲ نفر اعلام کرده‌اند که پس از بازگشت، شرایط روانی‌شان بدتر شده است. چهار مهاجر ارمنستانی، مراکشی و کوزوویی به فکرکردن در باره خودکشی اعتراف کردند.

■ وابستگی خانوادگی

وابستگی «مهاجران بازگشتی» به اعضای خانواده‌شان بسیار بالاست. همه مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، به جز یک نفر، برای هزینه‌های روزمره مثل مسکن، غذا و درمان به خانواده وابسته بودند. برعکس، تنها ۱۷ نفر از ۲۸ مورد، احساس می‌کردند که به لحاظ روانی تحت حمایت خانواده قرار دارند. آن‌هایی که احساس می‌کنند تحت حمایت روانی خانواده نیستند، دچار حس درک‌نشدن، مرض مزمن داشتن و بار اضافه‌بودن می‌کنند. خانواده‌ها از یک‌سو ابراز خوشحالی می‌کنند که عضوی از آن‌ها به خانه بازگشته و از سوی دیگر نگران‌اند که با وضعیت اقتصادی ناخوشایندشان چطور از این عضو حمایت کنند. در مجموع، عمده بار حمایتی بر دوش خانواده فرد بازگشتی است و آشنایان و اجتماع محلی نقش چندانی در این زمینه ندارند. تنها نمونه استثنایی در غنا بود که سنتا نظام حمایتی آشنایان و فامیل متفاوت است.

■ ادغام مجدد از طریق کار

مهاجران بازگشتی برای اینکه بتوانند خود و خانواده‌شان را تأمین کنند، به‌ویژه در کشورهایی که سیاست تأمین اجتماعی نیرومندی وجود ندارد و افراد برای بقا حتماً به کار مزدی نیاز دارند، باید کار کنند. از میان ۲۸ مصاحبه‌شونده، تنها سه نفرشان کار می‌کردند و می‌توانستند خانواده‌شان را تأمین کنند. مهاجران بازگشتی شدیداً بیمار که کاری پیدا نکرده بودند، می‌گفتند که عدم سلامتی‌شان به دلیل بیکاری آن‌هاست. برخی اذعان می‌کردند که آن‌ها اصلاً توان کارکردن ندارند، در حالی که برخی دیگر می‌گفتند کاری که مناسب شرایط سلامتی‌شان باشد پیدا نکرده‌اند. دلیل دیگر پیدانکردن کار، سن مهاجران بازگشتی است. برخی از آن‌ها به سن بازنشستگی رسیده‌اند. در برخی از موارد که مهاجران بازگشتی مدت زیادی را در خارج از کشور گذرانده‌اند، از شمول مزایای بازنشستگی خارج می‌شوند. به نظر مدیر «بنیاد توسعه‌ای فرانسوی-ارمنی‌ها» مشکل اصلی مهاجران بازگشتی، اشتغال آن‌هاست. مشکل بعدی، اسکان است، زیرا بسیاری از مهاجران پیش از مهاجرت خانه‌هایشان را می‌فروشنند و هنگام بازگشت جایی برای زندگی ندارند. در زمینه آموزش کودکان هم مشکلاتی به وجود می‌آید، اگر چندین سال تحصیلی را در کشور خود از دست داده باشند، باید برای دوباره پذیرفته‌شدن امتحان بدهند. برای برخی کودکان فرانسوی-ارمنی، زبان ارمنی دشوار است. به نظر این مقام مسئول، مشکلات بازگشت موقتی است و اگر بازگشتی‌ها شغل پیدا کنند یا مشغول یادگیری و آموزش شوند، با مشکلات ادغام مجدد کنار می‌آیند.



برای مثال، کشورهای اروپایی یک نوع خاصی از برخورد با نیروی کار دارند، حداقل امکانات و شرایطی در اختیار آن‌ها می‌گذارند. کشورهایی که نظم و نسق بیمه‌ای بیشتری دارند، سیاست‌گذاری اجتماعی درست‌تری دارند و یک حمایت حداقلی از مجموعه نیروی کار مهاجر انجام می‌دهند.

■ یکی از راهکارها تحت پوشش بیمه قرار دادن نیروی کار مهاجر است که در واقع به نوعی به ساماندهی آن از نگاه نهادهای انتظامی هم کمک می‌کند. چون تحت پوشش بیمه قرار گرفتن مشخص می‌کند این نیروی کار کجاست، چه کار می‌کند، چقدر حقوق می‌گیرد و...

ولی به نظر من هنوز در این زمینه‌ها به الگوی مشخصی نرسیده‌ایم. برای رسیدن به الگو باید بررسی جامع‌تری صورت بگیرد. این الگو باید مشخص کند که به چه میزان می‌توانیم حمایت‌های حداقلی

انجام دهیم تا به مناسبات کار داخلی آسیب وارد نشود، چون بخشی از این حمایت‌ها باعث می‌شود بخشی از توان چانه‌زنی نیروی کار داخلی کمتر شود. در این شرایط، آن نیروی کار خارجی هم به‌طور جدی‌تر، به هر نحوی، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، از پرداخت پایین گرفته تا آزارهایی که در فرایند کار و وجود دارد یا تهدید به اخراج به خاطر شرایط نامطمئن کاری.

به نظر من، این الگو باید به سمت شفاف‌سازی نقش نیروی کار خارجی برود و تأمین آن‌ها در راستای نقش‌شان در تولید ارزش افزوده، به نحوی که نقش آن‌ها دیده شود. البته نیروی کار داخلی هم نسبت به نقشی که در تولید ارزش افزوده دارد مورد کم‌لطفی قرار می‌گیرد. در مجموع باید از این نیروی کار حمایت‌هایی صورت بگیرد و آثار جانبی این حمایت‌ها بر بازار کار هم دیده شود و ارتباط این نیروی کار با نیروی کار داخلی و حتی تفکیک حوزه‌های فعالیتی این دو، می‌تواند صورت بگیرد.

ت معکوس؛ مرور دوباره دردها

چالش‌های بازگشت سه مهاجر به کشورهای خود

سلامتی او خبر ندارد. پس از بازگشت، دختر و آشنایان نزدیکش استقبال گرمی از او کردند. در برابر آشنایان و اقوامی که تصور می‌کنند از کار در فرانسه پول زیادی به جیب زده و لذت زیادی برده است، تظاهر می‌کند که حال و روز خوبی دارد. اما واقعیت چیز دیگری است: آرز از زمان بازگشت به خانه، اوضاع نابسامانی دارد. عامل این مسئله را سختی و نامرادی زندگی در آذربایجان می‌داند که حال او را نه فقط از نظر روانی بلکه از نظر جسمی نیز تحت‌تأثیر قرار داده است: «محیط به شدت سرکوبگر است. همه شایعات و خشونت‌های محله محیطی خصمانه را پدید آورده‌اند. می‌دانید، وقتی از خارج به آذربایجان نگاه می‌کردم، رسیدن به ارزیابی متصفانه و توقعات درست دشوار بود. اگر می‌دانستم واقعیت این‌قدر بد است، هرگز برنمی‌گشتم. کاش هیچ‌وقت به فرانسه نمی‌رفتم و نمی‌فهمیدم که زندگی می‌تواند متفاوت باشد. با خودم فکر می‌کردم، اصلاً اگر هیچ‌جا نبودم، همه چیز بهتر می‌شد.»

■ **بابارما، زن ۳۰ساله، بازگشت از هلند به مغولستان**

بابارما پیش از ترک مغولستان مشکل تیروئید داشت، اما

اماد و نوه‌هایش است. از اینکه زاق می‌کند احساس بدی دارد. من می‌کنم که خانواده و بچه‌هایم نیستم، اما باز هم میلی ندارم به

ه، بازگشت از فرانسه به

ساله در فرانسه به زادگاه خود شت. در فرانسه در یک رستوران، مدتی، دچار فشارخون مزمن، یبی شد. پس از اطلاع از وضعیت گرفت نزد دخترش بازگردد. پس داروهای فرانسوی‌اش استفاده اشت که هزینه‌های آتی درمانش می‌کند دچار مشکلات روانی نیز ای مشاوره نکرده است.

نی در فرانسه بسیار راضی بود ت بعد این خدمات در آذربایجان کس از آشنایانش از مشکلات

● **یادداشت** ●

● **صدیقه‌بختیار** ●

چهار دهه خانه‌به‌دوشی مداوم برای افغانستانی‌ها

روند مهاجرت گسترده افغانستانی‌ها گرچه به دلیل دگرگونی‌های سیاسی با فرازوفرودهایی همراه بوده، اما چهار دهه ادامه داشته است. سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت جمهوری اسلامی افغانستان، در ابتدا مهاجران بسیاری را تشویق به بازگشت به وطن‌شان کرد. این مهاجران از کشورهای مختلف به‌خصوص از ایران و پاکستان به افغانستان بازگشتند. اما نتوانمندشدن تدریجی طالبان، کاهش کمک‌های جامعه جهانی در کشور و همین‌طور آغاز خروج نیروهای بین‌المللی در سال ۱۳۹۳، باعث شد خوش‌بینی‌ها به بهبود اوضاع کشور، کم‌رنگ شود. طی این سال‌ها ماحصل برنامه دولت‌سازی و بودجه‌های کلان بین‌المللی برای این حوزه، ساختاری فاسد و مافیایی بود که میلیاردها دلار را بلعیده بود.

سال ۱۳۹۳، نقطه عطفی در تاریخ ساساطالبانی در افغانستان بود. قرار بود در این سال، انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود و برای اولین بار انتقال قدرت در تاریخ سیصد ساله کشور بدون نزاع انجام شود. اما مردم از روند انتقال مسالمت‌آمیز قدرت مطمئن نبودند و التهاب‌های بازار حاکی از نگرانی‌های گسترده در این زمینه بود. پس از انتخابات، میان دو کاندیدای برتر -محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله- کشمکش عمیقی به دلیل تقلب‌های انتخاباتی به میان آمد. بحران مهاجرت به اروپا در سال ۱۳۹۴، دقیقاً پس از این آشفتگی‌های داخلی رخ داد. افغانستانی‌ها دومین گروه عمده مهاجران

به اروپا را در این دوره تشکیل می‌دادند. اما پس از گذشت سه سال از این مهاجرت گروهی، دولت‌ها در اروپا به‌خصوص آلمان، به اقدامات در راستای اخراج مهاجران افغانستانی از این کشور افزوده‌اند. ترکیه و پاکستان هم در سال ۹۷، هزاران مهاجر را اخراج کرده‌اند. در میان مهاجرانی که این روزها به افغانستان-ولو به اجبار دولت‌های میزبان یا بنا بر تصمیم خودشان- برمی‌گردند، تعداد زیادی از کسانی هستند که در ایران مشغول به کار بوده‌اند. میزان زیادی از این بازگشت‌کنندگان، کارگرانی‌اند که به‌صورت داوطلبانه ایران را ترک کرده‌اند. بنابر گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت، از اواخر دی‌ماه سال پیش تا ۲۰ تیر امسال، ۴۶۵۸۲۲ مهاجر از ایران به افغانستان بازگشته‌اند. این رقم تنها طی یک هفته- ۱۴ تا ۲۰ تیر- بیش از ۲۳۰۰۰ نفر بوده است. در حالی که کاهش ارزش ریال در برابر دلار و فشارهای اقتصادی به‌عنوان عامل اصلی این بازگشت گفته شده است، باید در نظر داشت که وضعیت این افراد پس از بازگشت به کشور، ظاهراً وخیتر خواهد شد. سازمان بین‌المللی مهاجرت در گزارشی نشان داده است که بیش از ۳۰ درصد این بازگشت‌کنندگان برای حفظ جان‌شان به کمک نیازمندند، اما فقط ۲ درصد این افراد تحت پوشش این سازمان هستند. بیکاری و فقر گسترده، نانمی و از همه مهم‌تر جو ناامیدی در کشور، مهاجران بازگشته را بیش از پیش متاثر می‌کند. این خانه‌به‌دوشی مداوم و بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی گاهی باعث می‌شود که افراد یا اقدام به خودکشی کنند یا وارد چرخه اعتیاد و فقر شدید شوند. اخیراً گزارشی از خودکشی یک مهاجر اخراج‌شده در یکی از مسافرخانه‌های کابل نشر داده شد. این فرد که به تازگی از آلمان اخراج شده بود، به محض ورود به کابل، اقدام به خودکشی کرد. با این حال به نظر می‌رسد دولت افغانستان علی‌رغم تشویق مهاجران به بازگشت به کشور، برنامه منسجمی برای اداره امور آنان ندارد. تعداد بالای مهاجران داخلی کشور نیز به این آشفتگی افزوده است و دایره مناطق امن در کشور هر روز محدودتر می‌شود. میزان شیوع فقر که در سال گذشته ۳۶ درصد بود، امسال به ۵۰ درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر، میزان خشونت‌ها و حملات بر شهروندان غیرنظامی به بالاترین حد خود پس از سقوط طالبان رسیده است (۲۳۳۸ کشته و ۷۰۱۵ زخمی در ۲۰۱۷). با وجود این مسائل، به نظر می‌رسد گزینه بازگشت به کشور برای مهاجران، گزینه‌ای از روی اختیار نیست و آنان آگاهانه خود را به وضعیتی به مراتب متشنج‌تر و ملتهبتر از جوامع میزبان خود می‌سپارند.

دانش آموخته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران